



خط سرخ؛

باید به حضور سمبولیک زنان نقطه‌ی پایان گذاشت

برای باورمندی به توانمندی‌های زنان، به حضور سمبولیک‌شان در سطوح مختلف باید نقطه‌ی پایان گذاشت

با توجه به وضعیت کنونی در افغانستان، به خوبی می‌توان دید که زنان در سطوح مختلف دارای جایگاه سمبولیک می‌باشند. البته می‌توان استثنا هم قایل شد، اما در کل، حضور سمبولیک زنان واقعیتی انکار نشدنی است. در سازمان‌های زیادی، برای زنان جایگاهی می‌دهند. این به معنای قدرت بخشیدن به زن و باورمندی به زن و توانایی زن نیست، بلکه از نام زن گرفتن پروژه‌های بزرگ و سرازیر کردن آن در حساب‌های شخصی رییس‌ها (مردان) است. هم‌چنان با اطمینان می‌توان گفت که در بسا موارد، حتا سواستفاده‌های جنسی از زنان نیز صورت می‌گیرد.

پس از سروصدای گفت‌وگوهای صلح، زنان خطوط سرخ‌شان را مطرح کردند. آن‌ها از جدیت‌شان در برنگشتن به گذشته، حق انتخاب و مسایل عمده‌ی مرتبط با داشتن آزادی برای هر آن‌چه باید انجام بدهند سخن گفتند. اگر بخواهیم در مورد اهمیت تمام این‌ها سخن بگوییم، این مسایل را می‌توان جدی پنداشت و برای تحقق آن‌ها خوش‌بین بود. اما مهم‌تر از تمام این‌ها، هیچ‌کسی سخن از این نگفت که در کنار برخوردار شدن از تمام حقوق انسانی، خط سرخ ما پایان گذاشتن به حضور سمبولیک زنان نیز باید باشد. گروه طالبان با پیوستن در بدنه‌ی حکومت و قدرت ممکن است تهدیدی برای زنان نباشد. چون آن‌ها با در نظر داشت فشارهای بیرونی، ممکن است حضور زنان را نادیده نگیرند/نتوانند، اما این بدین معنا نیست که زنان متفاوت‌تر و قدرت‌مندتر از گذشته عمل خواهند کرد.

از طرف دیگر، کسانی که صاحب صلاحیت در تمام امور می‌باشند، در کل کسانی نیستند که دل‌سوزانه بخواهند به زنان توانمند صلاحیت عمل بدهند. هستند زنانی که توانایی کار و عمل دارند، اما این تعداد هرگز به قدرت نمی‌رسند، یا بهتر است بگوییم که به آن‌ها فرصت بودن در بدنه‌ی قدرت داده نمی‌شود. در ادارات

ادامه در صفحه ۳...

جهانی شدن خشونت علیه زنان؛

انباشت سرمایه در چشم‌انداز تاریخی

صفحه ۳...



نگاهی به وضعیت اجتماعی زنان در دایکندی



گزارش
مسعود اختیاری



ولایت دایکندی در مرکز افغانستان، با ۷۰۰ هزار نفوس، نزدیک به پنج صد کیلومتر از کابل فاصله دارد. آب فراوان ندارد و کوه‌هایش بیش‌تر از زمین‌هایش است، اما درخت سیب‌اش با نمبر یک در نمایشگاه میوه‌های افغانستان در کابل به نمایش گذاشته می‌شود. همین‌طور به سرزمین بادام معروف است. دختران و پسران این‌جا وقت زیادی را در مکتب و دانشگاه می‌گذرانند. اما نه در میان دیوارهای مکتب؛ در سایه‌ای درختی، در زیر نور آفتاب، در بغل نهرجوی، در زیر درختی‌های بید و یا هم در خیمه‌های سازمان ملل. در صدی بالای شان هم، دست کم چهار سال در شهرهای بزرگ کشور در دانشگاه‌ها هستند. حالا اگر نگاهی

به زنده‌گی زنان و دختران این‌جا داشته باشیم، وضعیت را می‌توان در افغانستان بعد از طالبان کمی شفاف‌تر بی‌بینیم. این‌جا مدتی یونما دفتر داشت، چند ماه هم تیم بازسازی ولایتی (PRT) آمریکای، چند دانه موسسه دیگری هم بود، پروژه‌های هم این‌جا شاید تطبیق شده. ۱۸ سال از تاسیس ولایت دایکندی می‌گذرد، به مقایسه‌ای سایر ولایت‌ها توجه اندک شده است. با آن هم، تحلیل این است که زنان و مردان

این‌جا گام‌های بلندتری فکری و جهان‌بینی را بر داشته و با امید و احتیاط پیش می‌روند. سه نگاه به صورت کلی در مورد زنان وجود دارد، هر سه نگاه با تمرکز به وضعیت زنان دایکندی ارایه شده، زنانی که در روستاها زنده‌گی می‌کنند و هم‌سان با مردان آن‌جا، در زندان جغرافیایی و سیاسی احاطه شده‌اند.

یک: نگاه اول اندکی بدبینانه، سنتی،
ادامه در صفحه ۲...



Star Educational Society

Since 1998

تفاوت را با ما تجربه کنید!

JOIN US FOR A DIFFERENCE

چرا باید به ستاره پیوندید؟

- بیش از ۲۰ سال تجربه تدریس عالی انگلیسی
- بیش از شصت هزار نفر فارغ التحصیل زبان انگلیسی
- بیش از صد نفر دانش آموز ستاره حائز بورس فولبرایت آمریکا
- برای سهولت دسترسی شما، ۱ شعبه ستاره در نقاط مختلف شهر کابل و ۶ ولایت
- متخصص مشاوره برای دریافت امکانات عالی تحصیلی در دانشگاه‌های بین‌المللی
- بنیان‌گذاری اولین نشریه آموزشی زبان انگلیسی افغانستان به نام ایتر استار با شمارگان ۷۰۰۰ نسخه

مجموعه آموزشی ستاره
ثبت نام می‌کند

American English File

وب سایت: star.edu.af

شماره های تماس تماس:
انستیتوت: ۰۷۸۹۰۶۳۷۲۳
شعبه A: ۰۷۴۴۵۶۳۷۵۵
شعبه B: ۰۷۴۴۰۴۶۰۵۲
شعبه C: ۰۷۰۸۴۵۷۴۵۳
شعبه D: ۰۷۷۹۶۱۸۵۵۰
شعبه E: ۰۷۷۱۰۴۰۲۳۵
شعبه H: ۰۷۴۶۱۳۴۹۶۲



سال سوم • شماره ۸۲ • شنبه ۲۱ ثور ۱۳۹۸

Vol. 3 • No. 82 • May 11, 2019 • Saturday

نگاهی به وضعیت اجتماعی زنان در دایکندی

۲

ادامه از صفحه اول

دختری قبل از این که به دنیا بیاید، به پرسی نامزد ساخته می‌شود. چیزهای که حالا حتا نمی‌توان تصور کرد و شاید افسانه بی‌پنداریم. اما واقعیت جامعه‌ی آن روز بوده و هنوز هم در بخش‌هایی کشور با زنده‌گی زنان چنین بازی می‌شود. اکنون اما، دختران نقش بیش‌تری در انتخاب شریک زنده‌گی شان دارند، آن‌ها برای گرفتن ارث خود صدا بلند می‌کنند. حداقل اداره‌هایی است که زنان را در رسیدن به حقوق شان همراهی و کمک کنند. از اولین انتخابات در افغانستان، زنان دایکندی پای صندوق‌های رای رفتند و در پروسه‌های سیاسی و ملی مشارکت داشتند. شوراهای زنان و سازمان‌های مدنی برای حقوق زنان فعالیت دارند. زنان اکنون در بازار کار راه یافته‌اند و مزد کارشان مستقیم به دست خودشان می‌رسد.

زنان در دو دهه اخیر، وزیر است، والی است، مستوفی است، و شهردار است، و کیل در شورای ولایتی است، و کیل در مجلس نماینده‌گان است، قاضی است، حقوق‌دان است، و کیل مدافع است، داکتر است، سخن‌گو است، ورزش‌کار است، خبرنگار است، استاد دانشگاه است، فعال‌مدنی است، فعال حقوق بشری است. نویسنده است، شاعر است، پولیس است، عکاس است، مدیر است، آمر است، دانش‌جو است، معلم است، دوکان‌دار است، آگاه امور دینی است، انجینیر است، کارمند موسسه است، معلم است، خیاط است، و دمپوره می‌نوازد، شعر می‌خواند، عاشق است، معشوق است، بازار می‌رود، و متحول شده و تحول می‌کند.

سه: نگاه آخر، نگاه سوم است. نگاه ایده‌آل‌ها برای زنان، و رسیدن به جامعه برابر. آن‌چه در نگاه دوم گفته شد، دست‌آورد خوبی است، اما هیچ‌گاه کافی نیست و برای شروع خوب است. این سال‌ها جنگی بین نگاه اول؛ نگاه سنتی و نگاه دوم؛ نگاه برابر است، هر که در این جنگ غالب شد، سال‌های بعدی نیز غالب خواهد بود. رسیدن به نگاه انسانی، برابر و زن مستقل و توانمند، مبارزه‌های پی‌گیر و خسته‌گی ناپذیر می‌خواهد. وضعیت نابه‌سامان افغانستان نشان می‌دهد که زنان و دختران این کشور راه درازی برای پیمودن دارد.

بسیج کردن سایر زنان را داشتند و زنانی زیادی را به دنبال خود کشاندند. در این مدت با خواندن و نوشتن آشنا شدند و جهان‌بینی زنان در موجودیت رسانه‌های دیداری و شنیداری شعاع بیش‌تری گرفته است. ۱۸ سال پیش، زنده‌گی دختری پیش کشیده می‌شد، تا منازعه قومی حل می‌شد. و یا هم

زنده‌گی زنان دایکندی تفاوت زیادی با سرنوشت زنان بخش‌های دیگر افغانستان ندارد. اما آن‌چه که واضح است، در تحول هژده سال افغانستان، افغانستان بعد از طالبان، زنان دایکندی با تمام محدودیت‌ها دگرگونی بیش‌تری دیده‌اند. اولین شوراهاى زنان را، زنانی تشکیل داد که سواد خواندن و نوشتن نداشتند، اما آگاهی و توان‌مندی



زنان نظر به مسوولیت که به عهده دارند، امتیازی کمی در خانواده‌ها و جامعه به دست می‌آورند. زنان به خدمات صحی مناسب، کافی و باکیفیت دست‌رسی ندارند. مادران زیادی در خانه زایمان می‌کنند و با خطرهای جانی و صحی روبه‌رو هستند. نگاه به زن همان است که در خانه بماند. تعریف از زن؛ طفل پروراندن و زاییدن، فرمان‌بری از مرد و سکوت و تحمل است. زن حق کار ندارد. زن، اگر چاره‌ای جز بیرون رفتن نداشت، با حجاب و با محرم بیرون می‌رود. زن همین که سواد خواندن و نوشتن آموخت، بس‌اش است و شوهر کند. زنان در حکومت و سیاست هم به شکل واقعی شامل نیستند. زنان قربانی سیاست‌های حکومت، احزاب و کشور‌های دخیل در افغانستان هستند و در تصمیم‌گیری‌های کلیدی حضور ندارند. در بسیاری از موقعیت‌ها زنان به طور سمبولیک گماشته شده‌اند و برنامه‌ها برای ظرفیت‌سازی زنان به هدر رفته و برای توان‌مندسازی زنان به درستی به کار گرفته نشده است. دو: نگاه دوم، واقع بینانه‌تر، دیدی رو به آینده و انتقادی از وضعیت زنان است. از نگاه اول که بخش از واقعیت جامعه امروز افغانستان است، بگذریم، واقعیت دیگری نیز است؛ زنان اکنون به وضعیت بهتری رسیده‌اند. این نگاه شاید اندکی رومان‌تیک و خوش‌بینانه به نظر بیاید، اما پیش‌رفتی است که در عرصه زنان داشته ایم. دست‌رسی به مراکز صحی و خدمات صحی رشد کرده و کلینیک‌ها به تدریج در فاصله کم‌تری از زنان موقعیت می‌گیرند. اکنون انگشت بر کیفیت خدمات و امکانات گذاشته می‌شود تا خود خدمات. مسوولیت‌های زنان کم‌تر شده و سبک‌تر. مردان دلیل بیش‌تر و جدی‌تری برای احترام به حقوق انسانی زنان دارند. در حکومت بخش مشخص برای رسیده‌گی به مشکلات زنان و نظارت از وضعیت زنان ایجاد شده است. زنان همین‌طور که کم‌تر محکوم به ناتوانی است، زنانی زیادی زنده‌گی مستقل و آزاد خودشان را ساخته‌اند. اضطراب زنان کم‌تر شده و امیدشان بیش‌تر.

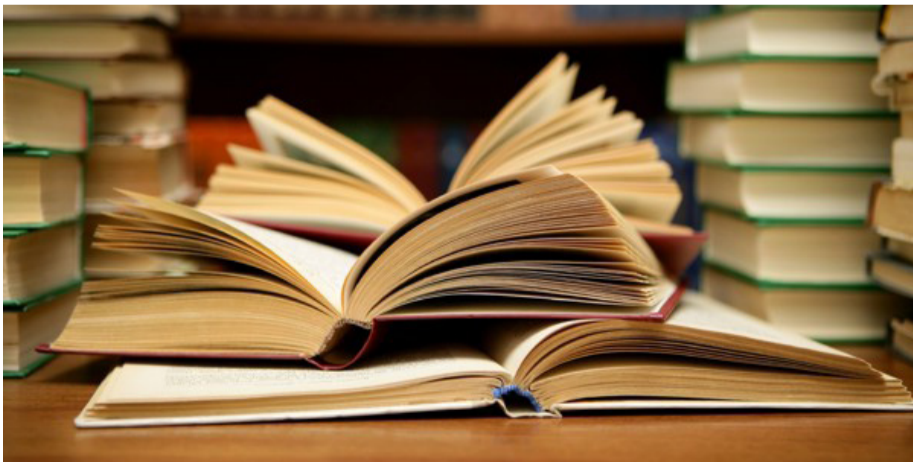
یادداشتی درباره‌سه بهترین کتاب

ادامه از صفحه ۴

یا شاید حتا تا ابد مکتوم بماند. قربانیان از ترس بی‌آبرو شدن در جامعه سنتی لیبی سکوت اختیار کرده بودند و این سکوتی بود که قذافی با بهره‌گیری از آن توانسته بود برای چهل و دو سال به صورت مستمر مرتکب جرایم جنسی شود. اما آتی‌ک کوژان، نویسنده فرانسوی در کتاب حرمسرای قذافی، موفق شد تعدادی از قربانیان را به سخن گفتن وادارد. حرمسرای قذافی برای اولین بار لیبیایی‌ها و مردم جهان را با چهره واقعی دیکتاتور مخوف لیبی آشنا کرد. این تکه خلی به واقعیت‌های افغانستان نزدیک است مرد ریشو به کوژان «به خاطر لیبی و به خاطر خودتان، از این تحقیقات منصرف شوید!» و مرد جوان ریشویی که در حمل و نقل دختران جوان برای قذافی مشارکت داشت و حالا در زندان شهر مصر آنها تمام اوقات روز و شبش را صرف قرائت قرآن می‌کند، با عصبانیت به من گفت: قذافی مرده است! مرده! چرا می‌خواهی در رازهای خجالت آورش کنی و کاو بکنی و آن‌ها را هم بزنی؟» اسامه جویلی وزیر دفاع لیبی، هم موضع مشابهی داشت: «این موضوع مایه حقارت و شرم‌ساری ملی است. موقعی که به آن بی‌حرمتی‌ها که در حق بسیاری از جوانان، از جمله سربازان شده، می‌اندیشم هیچ حسی جز اشمئزاز ندارم!» به شما اطمینان می‌دهم بهترین کار ساکت ماندن در باره این موضوع است. مردم لیبی احساس می‌کنند دسته جمعی جریحه دار و ملوث شده‌اند و خواهان ورق خوردن این صفحه از تاریخ‌شان‌اند. این سه کتاب از بهترین کتاب‌های بود که به تازه‌گی خوانده‌ام. آن‌چه که در این کتاب‌ها آمده است را هر روز در افغانستان می‌بینیم و می‌شنویم.

قذافی برداشته می‌شود. ثریا، شخصیت اصلی در کتاب حرمسرای قذافی، نیز یکی از قربانیان تجاوز جنسی است که خیلی زودتر از الیسا میلانو شجاعت یافته بود دست متجاوز را قطع کرد. بزرگ‌ترین متجاوز قرن را رو کند و از تجربیاتش به عنوان یک برده جنسی اسیر در دست یکی از مشهورترین جباران تاریخ برای مردم جهان سخن بگوید. ثریا که یک شخصیت واقعی است، در این کتاب نقاب از چهره مردی بر می‌دارد که خود را تنها رهبر مسلمان انقلابی به مردم کشورش و انقلاپی به مردم کشورهاى منطقه جا زده بود. اما واقعیت قضیه این بود که معمر قذافی با توسل به ابزار تجاوز جنسی توانسته بود برای مدت چهل و دو سال بر لیبی حکومت کند. در این چهل و دو سال صدها زن و مرد جوان قربانی جرایم جنسی این هول‌انگیزترین دیکتاتور تاریخ بشر شدند. اما از بین این قربانیان فقط تعداد معدودی جرات پیدا کردند که دست به افشاگری بزنند و داستان‌های خود را حکایت کنند. رازهای قذافی به دلایلی که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده می‌توانست تا سال‌ها و دهه‌ها

دیدم، دیدم که بر آنان تجاوز می‌گردد و نمی‌توانند بگویند. در این کتاب در می‌یافتم چقدر زنان و دختران که قربانی تعرض‌های جنسی شده‌اند/می‌شوند، سکوت مرگ‌بار را تجربه کرده‌اند و از ظلم و ستمی که بر آنان



رفته‌است آشکارا سخن گفته نمی‌توانند. به نظر من حرمسرای قذافی یک جریان است که در تمام کشورهای جهان سوم به خصوص افغانستان ادامه دارد. ثریاهای بی‌شمار در این کشور مهر سکوت بر دهن شان خواسته و ناخواسته زده می‌شود/شده‌است. در کتاب حرمسرای قذافی نوشته‌ی آتی‌ک کوژان فرانسوی نقاب از چهره‌ی

این نتیجه می‌رسیدم که مردان سیاسی در غرب پوپولیست‌اند و زنان ارزش‌گرایانی که به خودشان اجازه نمی‌دهند که مراسم مرگ یک چنین آدم بزرگ از کاخ‌های مجلل گپ بزنند. او که یک خبرنگار حوزه‌ی سیاست نیز در فرانسه است در بخشی از این کتاب گفته است: «مردی که من عاشقش بودم رابطه‌اش را با بیانی‌های ۱۸ کلمه‌ای با من به پایان رساند که انگار با یک مسأله دولتی روبه‌روست و آن را شخصن برای خبرگزاری فرانسه خواند.» اتفاقات عجیب و غریبی که بر من رخ داده‌است هر روز ممکن است به زنان این کشور اتفاق بی‌افتد. زنانی بی‌شمار فعال در حوزه‌های گوناگون مورد سواستفاده رهبران سیاسی و دولت‌مردان در این کشور قرار گرفته/ می‌گیرند. من این کتاب را برای ۵۰ تن هدیه کرده‌ام. این کتاب برای کسان که علاقه‌مند خواندن زنده‌گی چهره‌های سیاسی هستند مهم است. حرمسرای قذافی؛ با خواندن این کتاب و مقدمه‌ی مترجم‌اش آقای بیژن اشتری در تازه‌ترین مورد دختران فوتبالیست کشور را پیش‌چشم‌ان‌ام



جهانی شدن خشونت علیه زنان؛

انباشت سرمایه در چشم‌انداز تاریخی



ترجمه
نویسنده: سیلویا فیدریچی
برگردان: زلمی کاوه
بخش چهارم

اشکال جدید انباشت سرمایه و خشونت علیه زنان

شیوه‌های دیگری وجود دارد که طبق آن‌ها فرم‌های جدید از انباشت سرمایه باعث تشویق خشونت علیه زنان می‌شود. عواملی کلیدی مانند بیکاری، کار موقت و اجاره‌ای و فروپاشی دست‌مزد خانواده که در این خشونت نقش دارند. محروم نمودن مردان از درآمد باعث می‌شود تا زنان خود را مورد سرزنش و خشونت قرار داده و تلاش کنند تا سرخورده‌گی و ناامیدی ناشی از داشتن پول و قدرت اجتماعی از دست رفته‌ی خود را از طریق سرزنش و بهره‌برداری از بدن و کار زنان، جبران نمایند. این قضیه در مورد «قتل داوری»^{۱۷} در هند اتفاق می‌افتد. در هند، کشور که مردان طبقه متوسط، در زمان ازدواج، زنان‌شان دارایی لازم را با خود نمی‌آورند، به قتل می‌رسانند، تا با زن دیگری به منظور به دست آوردن ثروت پیش‌تر که به نام داوری یاد می‌شود ازدواج نمایند. مثال دیگر در این عرصه، قاچاق و تجارت سکس است که طبق گفته‌ی مایس عنصر کلیدی در گسترش صنایع فروش جنسی دارد و عمدتاً توسط سازمان‌های جنایت‌کار مردان سازماندهی شده که این سازمان‌ها قادر به اعمال کار برده‌گی «در قالب خالص آن» می‌شوند، اداره می‌شوند.

قابل تذکر است که در صورت بحران و فروپاشی اقتصادی مرد در یک خانواده، برای خیلی از مردان ارزش زنان برای کار خانه و تولید مثل که درآمد پولی ندارند کم‌تر است نسبت به ارزش پولی که آن‌ها در بازار به دست آورند.^{۱۸} در این مورد، سیاست میکرو فردیت (میکروپولیتیک)^{۱۹} یعنی میل و انگیزه فردی، باز تاب دهنده سیاست مکرو، یعنی نهادهای رسمی و کلان‌سازمانی می‌باشد. حتی برای سرمایه، ارزش زنان پیش‌تر و بیش‌تر در کار ارزان و یا نیروی کارهای خدماتی که زنان انجام می‌دهند، نهفته است و کم‌تر در کارهای مجانی خانه‌گی که لزوم به حمایت حقوقی و معاش ثابت مردانه دارد، چیزی که سرمایه‌داری معاصر، به استثنای سکتورهای محدود از مردم، مصمم به پایان دادن به آن است. به این ترتیب یک نوع همکاری میان منافع سرمایه و بسیاری از مردان در رابطه با کار زنان وجود دارد. از یک طرف مردان باید به دست‌مزدی که دیگر در اختیار ندارند دست‌رسی داشته باشند و از سوی دیگر سرمایه باید نیروی کار ارزان برای بالا بردن منافع خود در اختیار داشته باشد.

در هر دو صورت کار زنان در خانه و به عنوان بازتولید کننده‌گان نسل‌های جدید ناپدید نمی‌شود، اما دیگر شرط کافی برای پذیرش اجتماعی آن‌ها نمی‌باشد.^{۲۰} بنابراین، اقتصاد سیاسی تازه در حال ظهور است که روابط خانوادگی خشونت‌آمیز بیش‌تری را به وجود می‌آورد، زیرا انتظار می‌رود

که زنان برای داشتن درآمد وابسته به مردان نباشند، اما اگر در صورتی که به وظایف خانه‌گی خود رسیده‌گی نکنند و یا قدرت بیش‌تری برای به رسمیت شناختن مشارکت‌های پولی خود ایجاد نمایند، مورد آزار و اذیت مردان قرار می‌گیرند.

نیاز زنان برای خروج از خانه، مهاجرت، کار و سهم‌گیری در کار بازتولید در خیابان‌ها (به عنوان فروشنده، معامله‌گران، کارگران جنسی) به منظور حمایت از خانواده‌های شان موجب تشدید اشکال جدید خشونت علیه آن‌ها می‌شود. در واقع، تمام شواهد نشان می‌دهد که ادغام زنان در اقتصاد جهانی یک روند خشونت‌آمیز می‌باشد. معروف است که زنان مهاجری که از آمریکای لاتین

دهه ۱۹۸۰، به این سو قتل زنان به طور پیوسته افزایش یافته است و هر سال بیش از ۳۰۰۰ زن کشته می‌شود. قتل زنان رنگین پوست کمتر مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد و کمتر از قتل زنان سفید پوست مورد پی‌گیری پلیس قرار گرفته و پرونده آن‌ها حل می‌گردد. برای مطالعه بیش‌تر نگاهی به تحقیقات در مورد قتل‌های زنجیره‌ی زنان کم درآمد آفریقایی تبار در لس آنجلس و دیگر شهرهای را ببینید.^{۲۱}

ترانس جنس هراسی و یا ترانسفوبیا هم با زن نقرتی ترکیب یافته است. در میان سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶، دست کم ۱۱۱ انسان تراجنسیتی و جنسیتی در ایالات متحده کشته شده‌اند، که بیش‌تر آن‌ها را زنان تراجنسی سیاه پوست



می‌آیند، برای پیش‌گیری از بارداری قرص‌های ضد حامله‌گی استفاده می‌کنند؛ چون انتظار می‌رود که توسط پلیس نظامی مرزی (امریکا)، مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. فروشنده‌گان خیابانی نیز وضعیت شان بهتر نیست چون برای جلوگیری از مصادره کالا‌های خود با پلیس درگیری مشابه دارند.

همان‌طور که ژول فالکه، جامعه‌شناس، خاطر نشان کرده است، زمانی که زنان از خدمت نمودن به یک مرد برای خدمت به مردان بسیار (پخت و پز، تمیز کردن، ارائه خدمات و سرویس جنسی) تغییر موقعیت می‌دهند، فرم سنتی روابط خویش‌داری خانواده‌گی را در هم شکسته است. چیزی که منجر به آسیب‌پذیری و آزار و اذیت بیش‌تر زنان می‌شود. خشونت فردی مردانه نیز پاسخ به مطالبات زنان برای خودمختاری و استقلال اقتصادی – به عبارت ساده – واکنش علیه رشد و گسترش فمینیسم است.^{۲۱} این نوع خشونت‌ی است که به تاریخ ۶ جولای ۱۹۸۹ در انستیتوت پلیتکنیک École Polytechnique در شهر مونترآل اتفاق افتاد. یک مرد وارد صنفی گردید، مردان و زنان را از هم جدا نمود و به روی زنان در حالی که فریاد می‌کشید: «شما همه اف... فمینیست‌های لعنتی هستید» آتش گشود. و ۱۴ نفر را به قتل رساند.^{۲۲}

خشونت‌نژادپرستانه

زن نقرتی نیز از نژادپرستی ترکیب شده است. در ایالات متحده آمریکا، که از

و شکار ساحره‌ها نیز همدیگر را تغذیه می‌کنند. اغلب زنان با بد رفتاری‌هایی را که از طریق خانواده‌های شان بر آن‌ها اعمال می‌شود کنار آمده و اقدام به افشای آن‌ها نمی‌ورزند که این در ذات خود منجر به تشدید خشونت‌های بیش‌تر می‌گردد. از سوی دیگر، تحمل نهادهای قانونی در برابر خشونت‌های خانگی باعث ایجاد فرهنگ مصونیت از مجازات شده که موجب عادی شدن مشروعیت خشونت‌های عمومی بر زنان می‌گردد.^{۲۴}

تمام موارد فوق نشان می‌دهد که

۱۷ در مورد مبارزه زنان علیه قتل‌های داوری در هند، به رادکا کومار صفحه ۱۱۵-۱۳۶ مراجعه کنید. به گفته ماریا میس، بیش از ۵۰۰۰ زن در اثر سوختگی که احتمالاً توسط شوهران شان و یا اعضای خانواده شوهران شان بین سالهای ۷۶ تا ۷۷ صورت گرفته بود، جان خود را از دست دادند و این رقم سپس در دهه ۸۰ میلادی افزایش یافته است. (ص: ۱۵۰)

۱۸ مسئله خشونت در این رابطه انقدر عمده است که دومین عامل سقط جنین در ایالات متحده آمریکا را تشکیل می‌دهد.

۱۹ میکرو پولیتیک: استفاده از قدرت رسمی و غیر رسمی توسط افراد و گروه‌ها برای رسیدن به اهداف خود در سازمان‌ها، این مقوله از لحاظ معنایی در برابر میکروپولیتیک، قرار دارد.

۲۰ قابل یادآوری است که بارداری در این زمینه آسیب‌پذیری زنان در برابر خشونت مردان افزایش می‌دهد. به طوری که خشونت توسط شریک مرد در ایالات متحده در حال حاضر دومین علت سقط جنین به حساب می‌آید.

۲۱ Caputi and Russell ۱۹۹۲

۲۲ Caputi and Russell, op. cit., p ۱۳.

مثال‌های زیادی در این مورد وجود دارد. «از تاریخ ۲۸ جنوری تا ۳۰ می ۱۹۷۹ به تعداد ۱۳ زن در فاصله کمتر از یک کیلومتر از هم دیگر در شهر بوستون قرار داشتند به قتل رسید که از آن جمله ۱۲ تن سیاه و یک تن سفید پوست بود. از همه ی آن‌ها تنها یک تن در منطقه سیاه بوستان کشته شده بود. به تعداد از آن‌ها پیش از قتل شان تجاوز جنسی شده بود. (گرائت ص: ۱۴۵) باز هم در آتلانتا «بین اواخر ۱۹۷۸ و ۱۹۸۰ ... اجساد ۳۸ تن دختر و زن در آن شهر پیدا شد. اکثر این قربانیان جوان آفریقایی آمریکایی بودند که معضله قتل آن‌ها هنوز حل نشده بود (زاسل و الیس، ۱۶۱-۱۶۶).

۲۴ به عنوان شهادت به کمیت حقیقت یاب و آشتی در آفریقای جنوبی، افشاکرد: «وقتی زنان اعتراف می‌کنند که دشمن به آن‌ها تجاوز کرده است، احترام و حمایت خانواده و جامعه خود را از دست می‌دهند... بسیاری از جوامع این زنان را طرد کرده و آن‌ها را از جمع شان اخراج می‌کنند... «در آفریقای جنوبی، اغلب مردان زنان را که به علت تجاوز به عنف از زندان باردار، برگشته‌اند کشته اند. p. ۱۲. Aftermath.

۲۵ «ماکیلا و یا ماکیلا دورا صنعت مونتاژ و صادرات کالا‌های نیمه تمام یا تمام شده به کشورهای جهان سوم میباشد که اساساً از کارگران مهاجر در کارخانه‌های خود استفاده می‌کند.»

ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد رویکرد نیمه‌تاریخی

خط سرخ!...

زیادی زنان فقط حضور دارند و اگر هم بخواهند بهره‌ی از موجودیت‌شان ببرند، این بهره‌وری به کارگیری نیروی کاری و ذهنی آن‌ها را در بر نمی‌گیرد. بنابراین، اگر به صورت جدی، مساله‌ی رسیده‌گی به از بین بردن حضور سمبولیک زنان را مطرح نکنیم، نمی‌توانیم خوش‌بین باشیم که تا سال‌های سال وضعیت زنان بهتر از شرایط کنونی خواهد بود. با در نظر داشت این وضعیت، آن‌چه کشنده‌تر از تمام این‌ها است، خاموشی زنان است. معامله‌گرانی که به نماینده‌گی از مردم افغانستان در نشست‌های صلح افغانستان شرکت کردند، هر از گاهی پیچ‌کنان زیر لب می‌گفتند «زنان افغانستان». اما این حرف تا زمانی تکرار خواهد شد که آن‌ها بدانند گفتن این مساله منافع‌شان را به خطر نمی‌اندازد. در این صورت، درصد خطر نابودی حضور زنان در جامعه افغانستانی بالا است. در چنین وضعیت بحرانی و خطیری، زنان افغانستان آن‌گونه که باید دست به کار نشدند و چنان‌که دیده می‌شود، دست به کاری نخواهند نزد. به طور نمونه اجماع ملی زنان در سال ۱۳۹۷ در میان مردمی به خاموشی افغانستان نمایش خوبی بود. اما حقیقت این است که در برابر پول هنگفتی که روی برگزاری این برنامه به مصرف رسید هیچ حرفی جدی و مهمی گفته نشد. از طرف دیگر، زنان و فعالین حقوق زن تنها ابراز نگرانی می‌کنند بدون این که هیچ اقدامی مهمی برای تغییر دادن چگونگی شکل‌گیری ساختار آمدن صلح در افغانستان بکنند. معامله‌گران، هر چند نمایشی اما گفتند که مساله زنان برای آن‌ها خط سرخ است. حالا پرسش اصلی این است که خط سرخ تمام زنان افغانستان چیست؟

در این باره، مسوولیت پاسخ به این پرسش مهم به دوش زنانی است که در رده‌های بالای حکومتی قرار گرفته‌اند. از وکلای زن گرفته تا پایین‌ترین سطح، همه خاموشی اختیار کرده‌اند و تمام حرف‌شان در قالب چند کلمه خلاصه می‌شود. برای این زنان خطری جدی‌ای وجود ندارد. آن‌ها با استفاده از نام زنان افغانستان حداقل توانسته‌اند که پولی را در حساب‌های شان بریزند و در صورت خطر حکومت طالبانی خود و اقارب‌شان را از این خاک بیرون کنند و بقیه روزگار شان را در کشورهای پیش‌رفته دنیا سپری کنند. مهم‌ترین حرف این است که خطر اکثریت زنان را تهدید می‌کند. و این اکثریت متشکل از افرادی است که به صورت عادی زنده‌گی می‌کنند. از مسوولین به صورت جدی باید پرسید که خط سرخ‌شان برای زنان افغانستان چیست؟

خشونت‌های قلمرو خصوصی و عمومی مانند خشونت‌های نظامی یا شبه نظامی



Nimrokh Weekly

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان

سرمدبیر: ریحانه رها

گزارشگران: حسین احمدی، آمنه امید و مسعود اختیاری

صفحه آرا: اولیا عماد

توزیع: یاسین نادری ۰۷۴۴۶۰۰۵۵۰

زیر نظر هیئت تحریر

شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴

آدرس الکترونیکی:

Nimrokhweekly7@gmail.com

خواننده‌گان عزیز نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص

سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.

به جز روی‌کرد نیم‌رخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.

هفته‌نامه نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

سال سوم ■ شماره ۸۲ ■ شنبه ۲۱ ثور ۱۳۹۸ / No. 82 / Vol. 3 ■ Saturday May 11, 2019

جدیدگیسو

کله فروغ فرخزاد

مسافر

همه شب با دلم کسی می گفت

سخت آشفته‌ای ز دیدار

صبحدم با ستارگان سپید

می رود می رود نگهدار

من به بوی تو رفته از دنیا

بی خبر از فریب فردا

روی مژگان ناز کم می ریخت

چشمهای تو چون غبار طلا

تنم از حس دستهای تو داغ

گیسویم در تنفس تو رها

می شکفتم ز عشق و می گفتم

هر که دلدا شد به دلدارش

نشیند به قصد آزارش

برود چشم من به دنبالش

برود عشق من نگهدار

آه اکنون تو رفته ای و غروب

سایه می‌گسترده به سینه راه

نرم نرمک خدای تیره ی غم

می نهاد پا به معبد نگهم

می نویسد به روی هر دیوار

آیه هایی همه سیاه سیاه

برگزاری نشست فوکس گروپ تحقیق ملی «زنان، صلح و امنیت» در ولسوالی حضرت امام صاحب ولایت کندز

«زنان، صلح و امنیت» ولسوالی حضرت امام صاحب ولایت کندز از دولت افغانستان، مخالفین مسلح دولت، سازمان ملل متحد و جامعه جهانی خواستند که به حقوق بشری زنان احترام گذاشته و زمینه مشارکت گسترده زنان را در روند گفتگوهای صلح فراهم نموده و از ضایع شدن دستاورد های ۱۸ سال اخیر جلوگیری نمایند.

اشتراک کنندگان نشست، از مخالفین مسلح دولت خواستند که آتش بس دائمی را در کشور قبول نموده و دست از هرگونه مخالفت بردارند و همچنان از سازمان ملل متحد و کشورهای جامعه جهانی مطالبه کردند که روند گفتگوهای صلح افغانستان را ضمانت اجرایی نموده و به حیث ناظرین بی طرف بر اساس اصول و میثاق های بین المللی نظارت نمایند.

گفتنی است که اشتراک کنندگان نشست فوکس گروپ تحقیق ملی «زنان، صلح و امنیت» در ولسوالی حضرت امام صاحب ولایت کندز، به طور فشرده خواست های خویش را چنین برشمردند:

برقراری آتش بس دائمی در میان گروه های درگیر جنگ به منظور تحقق صلح دوامدار در افغانستان.

دفاع از دستاورد های ۱۸ سال اخیر کشور به ویژه حقوق زنان و دیگر ارزش های مدنی و دموکراتیک.

فراهم ساختن زمینه های سهم گیری بیشتر و مشارکت فعال زنان در روند گفتگو های صلح کشور. همکاری سازمان ملل متحد و کشورهای مهم جامعه جهانی در راستای بین الافغانی شدن گفتگو های صلح. حفاظت از ارزش های مندرج در قانون اساسی افغانستان و دفاع از حقوق اساسی شهروندان.

نشست فوکس گروپ تحقیق ملی «زنان، صلح و امنیت» با آرزوی ختم جنگ، تحقق صلح و به امید مشارکت بیشتر زنان در روند گفتگو های صلح افغانستان، به پایان رسید.

دفتر ساحوی حقوق بشر کندز

کرده است که با برگزاری برنامه های مختلف تحقیقی زمینه را برای شناخت حقوق اساسی شهروندان به ویژه گروه های اجتماعی آسیب پذیر از جمله زنان، فراهم سازد و این برنامه های تحقیقی توانسته است بستر مناسبی برای بلند رفتن میزان آگاهی شهروندان از حقوق بشری شان باشد.

البتة تحقیق ملی زنان، صلح و امنیت نیز یکی از این

نشست فوکس گروپ تحقیق ملی «زنان، صلح و امنیت» با اشتراک ۱۲ تن (۱۰ زن و ۲ مرد) شامل مدافعان حقوق بشر، فعالان حقوق زن، دانشجویان دانشگاه، استادان معارف و استادان مؤسسه عالی تربیه معلم به تاریخ ۲۸ حمل سال ۱۳۹۸ خورشیدی، در ولسوالی حضرت امام صاحب ولایت کندز برگزار شد.



به نشست فوکس گروپ: تحقیق ملی «زنان، صلح و امنیت» خوش آمدید!

برنامه ها بوده و گامی در راستای مشارکت گسترده زنان در روند گفتگو صلح با گروه های مخالف دولت است که از طریق برگزاری برنامه های نشست استماع عامه، جلسات فوکس گروپ و مصاحبه های فردی با پرسشنامه ها انجام می شود.

سپس پرسش های مربوط نشست فوکس گروپ تحقیق ملی «زنان، صلح و امنیت» برای هریک از اشتراک کنندگان مطرح شده و هر کدام شان، پاسخ ها و دیدگاه های مربوط خویش را پیرامون پرسش ها بیان کردند.

اشتراک کنندگان نشست فوکس گروپ تحقیق ملی

نشست فوکس گروپ با خوانش آیاتی از قرآن مجید توسط یکی از اشتراک کنندگان و با سخنان آقای سید حفیظ الله فطرت رئیس دفتر ساحوی حوزه شمالشرق کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، آغاز گردید. آقای فطرت در بخشی از سخنان خویش با عرض خوش آمدید به اشتراک کنندگان نشست فوکس گروپ تحقیق ملی، گفت:

«زنان و مردان دو بال پرواز فرشته انسانیت هستند و بنابر این باید دوشادوش یکدیگر خویش زندگی آبرومندانه داشته و به کرامت و شخصیت انسانی همدیگر شان ارج و احترام بگذارند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همواره تلاش

یادداشتی درباره سه بهترین کتاب



تحلیل

صبور بیات

دانش آموخته‌ی روابط بین‌الملل

در زنده‌گی‌ام بیش‌ترین کتاب‌های که خوانده‌ام و اثر گذار بوده همه کتاب‌های بوده‌اند که درباره زنان نوشته شده‌اند و یا هم نویسنده‌گان‌اش زن بوده‌اند. تازه‌ترین کتاب‌های که خوانده‌ام یکی رمان «یک تابستان به همراه دشمن» نوشته شهلا العجیلی از سوریه است. دوم «برای این لحظه متشکرم» نوشته بانوی اول سابق فرانسه والریر تیروایر و دیگر حرام‌سرای قذافی است. ما در کشور حال جنگ زنده‌گی می‌کنیم، کشوری که زنان نخستین و آخرین قربانیان‌اند. بیش‌ترین آسیب و قربانی را زنان این کشور متقبل شده‌اند. خواندن هر سه کتاب برایم جالب بود و آن این که در سراسر جهان خصوصن در کشورهای آسیایی زنان قربانی درجه یک‌اند. و یا هم این که ما خواسته ناخواسته علاقه داریم تا در ادبیات نیز جنگ بخوانیم. در یکی از کتاب‌های کابل رفته ۸۰ درصد کتاب‌های که به زبان پشتو ترجمه شده‌است متأسفانه کتاب‌های جنگی است از طالبان شروع تا داعش و امثالهم. ادبیات کشور مان برای کاهش خشونت نیازمند دگرگونی است. ادبیات نقش موثر در قبال جنگ دارد. به قول ژان پل سارتر «ادبیات شاید نتواند جلوی جنگ و خون ریزی را بگیرد، شاید نتواند از مرگ یک کودک جلوگیری کند، اما می‌تواند کاری کند که دنیا به آن فکر کند». هیچ کتابی در موافقت با جنگ نوشته نمی‌شود هر کتابی درباره جنگی؛ انکار جنگ است. من وقتی رمان «یک تابستان به همراه دشمن» نوشته‌ی شهلا العجیلی، از سوریه، یکی از شش نامزد نهایی جایزه بوکر عربی در سال ۲۰۱۹ معرفی شده است؛ را می‌خواندم. وقتی کسی به نام

لمیس از جنگ که در کشورش آغاز شده در شهر کلن آلمان می‌رود تا دانشگاه برود و تحصیلش ادامه دهد تمام کسانی که از افغانستان به خاطر جنگ فرار کرده‌اند را پیش چشم‌ان‌ام می‌دیدم. لمیس او به نیکولاس استاد دانشگاه مونیخ مراجعه می‌کند. نیکولاس در دهه‌ی هشتاد میلادی و به منظور پژوهش درباره‌ی البتانی ستاره‌شناس مدتی در شهر رقه‌ی سوریه اقامت گزیده بود، و طی تابستانی که به پژوهش و رصد آسمان گذرانده، به نجوی مادر لمیس دل بسته بود. نزدیکی نیکولاس به مادر، لمیس را آزار می‌داد، و عقده‌ی روحی عمیقی را در او ایجاد کرد، به گونه‌ای که نیکولاس را تبدیل به سخت‌ترین دشمن لمیس کرده بود. از این رمان تصویر برایم خلق می‌شد که ممکن برای هر شهروند افغانستان و حال بدتر از در بیرون از این کشور برایش اتفاق افتاده باشد. لمیس روایت‌گر صدای سه نسل در تاریخ منطقه‌ی عربی برای صد سال می‌شود.

کتاب خاطرات بانوی اول فرانسه «برای این لحظه متشکرم» به شرح خاطراتش از رابطه با فرانسو اولاند رئیس‌جمهور سابق فرانسه می‌پردازد. حضور او در مقام بانوی نخست، به این دلیل که هیچ‌گاه همسر رسمی اولاند نبود، یک هنجارشکنی در فرانسه به شمار می‌آمد. جدایی آن‌ها سال گذشته پس از فاش شدن رابطه‌ی اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه، با یک بازی گر، اتفاق افتاده‌است. وقتی می‌خواندم حکایت می‌کند که در مراسم خاک‌سپاری ماندلا نیکولا سارکوزی و اولاند می‌خندیدند. و این زن حس خوبی نداشته‌است و به

ادامه در صفحه ۲۴ ...

Future Leaders Consultancy

GRE PREPARATION

- 300+ Targeted score
- Finish in 2 Months
- 4 Individual Mentoring Sessions
- 100+ Skill-based Practice Tests
- 8 Simulated Tests

◆ Course Commencement: May 14, 2019
◆ Timing : 4:00 - 6:00 PM